فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاهم، بهار ۱۴۰۴- صفحات ۶۲۵-۶۰۱

تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی: تحلیل مبتنی بر مدل رشد درون‌زا با رویکرد ARDL

نوع مقاله: پژوهشی

محمدحسین احسان‌فر[۱]
محمدرضا پورقربان[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۹

چکیده

توسعه مالی اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تحقق رشد اقتصادی پایدار در کشورهای اسلامی مطرح شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران، با به‌کارگیری مدل رشد درون‌زا و روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۲ انجام شد. در این مطالعه، حجم کل تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی به‌عنوان شاخص اصلی توسعه مالی اسلامی و تولید ناخالص داخلی (GDP) به‌عنوان نماینده رشد اقتصادی در نظر گرفته شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که نهادهای مالی اسلامی از جمله بانک‌ها و مؤسسات مالی، نقش مؤثری در تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری در ایران ایفا می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که توسعه مالی اسلامی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی ایران بوده است. این یافته با اهداف تعیین‌شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در راستای توسعه نظام مالی اسلامی همسو می‌باشد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که درجه باز بودن تجاری و نرخ تورم به ترتیب تأثیر مثبت معنی‌دار و منفی بی‌معنی بر رشد اقتصادی داشته‌اند. افزون بر این، متغیرهای نیروی کار و سرمایه نیز مطابق با مبانی نظری، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی نشان دادند.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، مدل رشد درون‌زا، مالی اسلامی، ARDL، اقتصاد ایران.
طبقه‌بندی JEL : O47، O41، G21، C32

۱ استادیار، گروه علمی اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m.ehsanfar@pnu.ac.ir
۲ استادیار، گروه علمی اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m.pourghrban@pnu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از پیشگامان و دارای بزرگترین بازار مالی اسلامی در جهان، جایگاهی بی‌بدیل در عرصه نظام مالی بدون ربا دارد (صندوق بین‌مللی پول، ۲۰۲۲، ۱۵). با استناد به قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) و تأکیدات قانون اساسی (اصل ۴۳ و ۴۹)، کلیه نظام بانکی و مالی کشور موظف به فعالیت بر اساس موازین شرعی و اجتناب از ربا شده‌اند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹، ۳). این چارچوب قانونی، ایران را به یک آزمایشگاه زنده و منحصربه‌فرد برای مطالعه تأثیرات مالی اسلامی بر اقتصاد کلان تبدیل کرده است. بر اساس آخرین آمارهای منتشرشده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سهم تسهیلات بانکی مبتنی بر عقدهای اسلامی (از جمله مرابحه، مشارکت مدنی، مضاربه، اجاره به شرط تملیک و سلف) از کل تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در پایان سال ۱۴۰۱ به بیش از ۹۸ درصد رسیده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و نظارتی سالانه ۱۴۰۱، ۴۷). این امر نشان‌دهنده سیطره کامل الگوی مالی اسلامی در بخش بانکی کشور است. از سوی دیگر، بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ در پایان سال ۱۴۰۰ به رقم ۸،۴۵۰،۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱، جدول حساب‌های ملی، ۱۲).

مطالعه رابطه بین توسعه مالی اسلامی (که در ایران با شاخص‌هایی مانند حجم تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی سنجیده می‌شود) و رشد اقتصادی (با شاخص تولید ناخالص داخلی) از اهمیت بالایی برخوردار است. از یک سو، نظریه‌پردازان رشد درون‌زا (رومر، ۱۹۹۰) استدلال می‌کنند که توسعه بخش مالی با تسهیل تجهیز پس‌اندازها، تخصیص کاراتر سرمایه و مدیریت ریسک، می‌تواند به عنوان یک عامل درونزای محرک رشد اقتصادی عمل کند. از سوی دیگر، فلسفه مالی اسلامی با تأکید بر پیوند واقعی معاملات مالی با فعالیت‌های اقتصادی مولد، مبارزه با ربا که به توزیع ناعادلانه درآمد می‌انجامد، و ترویج مشارکت در سود و زیان (در قالب عقودی مانند مضاربه و مشارکت مدنی)، می‌تواند بستری برای تحقق رشد اقتصادی پایدار و عادلانه فراهم آورد (صدر، ۱۳۷۸، ۲۱۵). با این حال، علیرغم غلبه قوانین مالی اسلامی در ایران، مطالعات تجربی درباره سنجش کمی تأثیر این نظام بر رشد اقتصادی کشور، با نتایج یکسانی همراه نبوده و نیاز به بررسی بیشتر دارد. برخی پژوهش‌ها به رابطه مثبت اشاره دارند، در حالی که برخی دیگر به دلیل چالش‌های عملیاتی مانند غالب بودن عقد مرابحه (که ماهیت بدهی دارد) بر سایر عقود مشارکتی، تأثیر معناداری نیافته‌اند. بنابراین، این پژوهش در پی آن است تا با بهره‌گیری از داده‌های معتبر و روش‌های اقتصادسنجی، به واکاوی این رابطه در اقتصاد ایران بپردازد. سؤال اصلی این تحقیق آن است: آیا توسعه مالی اسلامی (با شاخص حجم تسهیلات عقود اسلامی) بر رشد اقتصادی ایران تأثیر مثبت و معناداری داشته است؟ پاسخ به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

این پرسش می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران پولی و مالی در بهینه‌سازی هرچه بیشتر نظام بانکی برای دستیابی به اهداف رشد و عدالت باشد.

این پژوهش در پنج بخش سازماندهی شده است. پس از بیان کلیات در مقدمه، مبانی نظری مالی اسلامی و توسعه اقتصادی در بخش دوم بررسی می‌شود. بخش سوم به مرور مطالعات پیشین می‌پردازد. در بخش چهارم، روش تحقیق، مدل تحلیلی و نتایج ارائه می‌گردد. سرانجام در بخش پنجم، یافته‌های کلی، راهکارهای عملیاتی و زمینه‌های پژوهشی آینده ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری

پس از انقلاب اسلامی ایران، تحول اساسی در نظام مالی با تصویب «قانون عملیات بانکی بدون ربا» (سال ۱۳۶۲) شکل گرفت. این نظام بر پایه عقود اسلامی مانند مرابحه، مضاربه، مشارکت مدنی، اجاره به شرط تملیک و سلف طراحی شد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰: ۱۲). بر اساس گزارش‌های رسمی، در پایان سال ۱۴۰۱، سهم تسهیلات مبتنی بر این عقود به بیش از ۹۸ درصد از کل تسهیلات شبکه بانکی رسید (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱: ۵۶). با این حال، از منظر کیفی، تمرکز غالب بر عقد مرابحه (با ماهیت بدهی‌محور) مشهود است، در حالی که سهم عقود مشارکتی (مانند مضاربه و مشارکت مدنی) که ذاتاً مبتنی بر مشارکت در سود و زیان و تقویت بخش مولد اقتصاد هستند، همچنان محدود باقی مانده‌است. این عدم تعادل ساختاری، پتانسیل نظام مالی اسلامی برای تحقق اهداف رشد درون‌زا را تحت تأثیر قرار داده‌است.

بخش مالی و توسعه آن، نقش محوری در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. این نقش عمدتاً از طریق کارکرد واسطه‌گری مالی و تخصیص بهینه منابع میان تمامی بخش‌های اقتصادی محقق می‌شود. نظام مالی با کاهش هزینه‌های تأمین مالی، تشویق پس‌انداز و هدایت کارای آن به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد، سهم بسزایی در تحقق رشد بلندمدت اقتصادی دارد. در کشورهای صادرکننده نفت، دولت‌ها با تکیه بر درآمدهای نفتی، توان مداخله گسترده در بازارهای مالی و ایجاد تغییرات ساختاری در آنها را دارند. هدف اصلی سیاست‌گذاران از این مداخلات، عموماً تحریک و شتاب‌بخشی به رشد اقتصادی است. با این حال، مطالعات تجربی نشان می‌دهند که توسعه مالی لزوماً و به‌طور خودکار به رشد اقتصادی منجر نمی‌شود(متقی و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۰۲). پاتریک[1] (۱۹۶۶) با ارائه چارچوب نظری تأثیرگذار خود، استدلال می‌کند که رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی به مرحله توسعه‌یافتگی هر کشور وابسته است. وی معتقد است در مراحل اولیه توسعه، اصلاح و گسترش خدمات مالی و نهادهای مالی (پیشتازی عرضه) محرک رشد اقتصادی است؛ اما در مراحل

1. patric

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

پیشرفته‌تر، این رشد اقتصادی است که تقاضا برای خدمات مالی متنوع و پیچیده‌تر را ایجاد می‌کند و توسعه مالی حالت دنباله‌روی تقاضا به خود می‌گیرد(پاتریک، ۱۹۹۶، ۲).

نظریه رشد درون‌زای رومر[1] در دهه ۱۹۸۰ شناخته شد. این مدل استدلال می‌کند که نرخ دائمی رشد به خوبی توسط متغیرهای موجود در مدل تعیین می‌شود، نه توسط سرعت برونزای پیشرفت فناوری همانطور که در مدل رشد نئوکلاسیک وجود دارد(رومر، ۲۰۱۱). در ادبیات اقتصادی، مدل‌های رشد درون‌زا[2] با معرفی نقش عواملی مانند سرمایه انسانی، نوآوری و توسعه مالی، توضیح بهتری از منابع رشد بلندمدت ارائه می‌دهند. برخلاف مدل‌های نئوکلاسیک که پیشرفت فناوری را برون‌زا می‌دانند، این مدل‌ها تأکید دارند که رشد اقتصادی درون‌زا از طریق سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، انباشت سرمایه انسانی و توسعه نهادهای مالی تقویت می‌شود(رومر، ۱۹۹۰). در این چارچوب، توسعه بخش مالی با تسهیل تجهیز پس‌اندازها، تخصیص بهینه سرمایه، کاهش هزینه‌های مبادله و مدیریت ریسک، به افزایش نرخ رشد بلندمدت منجر می‌شود(کینگ و لوین[3]، ۱۹۹۳؛ لوین[4]، ۲۰۰۵). مالی اسلامی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود، از جمله: تأکید بر تامین مالی مبتنی بر دارایی‌های واقعی، تأکید بر تأمین مالی مبتنی بر دارایی‌های واقعی[5]، ارتباط مستقیم اعتبارات با فعالیت‌های مولد اقتصادی و پرهیز از فعالیت‌های سفته‌بازی و ربا به طور نظری می‌تواند بستری برای رشد اقتصادی پایدار و با ثبات فراهم کند(صدر، ۱۳۷۸: ۱۸۵). این ویژگی‌ها با اهداف کلان اقتصادی ایران، از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲) و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ که بر رشد درون‌زا و پایدار تأکید دارند، هم‌خوانی دارد.

مدل رشد درون‌زا از این ایده حمایت می‌کند که پیشرفت فنی از سطح سرمایه‌گذاری و اندازه موجودی سرمایه انسانی ناشی می‌شود(هینگان[6]، ۲۰۱۱). علاوه‌براین، مالی توسعه‌ای به عنوان یک عامل برون‌زا در درون مدل رشد درون‌زا به رشد اقتصادی کمک می‌کند، همانطور که توسط مطالعات برجسته کینگ و لوین[7] (۱۹۹۳)، راجان و زینگالس[8] (۱۹۹۶)، لوین و زروس[9] (۱۹۹۸) و حسن و همکاران[10] (۲۰۱۱) تأیید شده است. بر اساس نظریه رشد درون‌زا، هنگامی که سرمایه‌گذاری در

1. Romer
2. Endogenous Growth Models
3. King & Levine
4. Levine
5. Asset-Based Financing
6. Jhingan
7. King & Levine
8. Rajan &Zingales.
9. Levine & Zervos
10. Hassan et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

صنعت مالی افزایش می‌یابد، منجر به پیشرفت رشد اقتصادی می‌شود، همانطور که پتکوفسکی و جوسوسکی[1] (۲۰۱۴) تأیید کردند. علاوه‌براین، بورک[2] (۱۹۸۹) گزارش داد که بانک‌هایی با سودآوری بزرگ، بسیار سرمایه‌دار باقی می‌مانند و دسترسی سریعی به سرمایه دارند. در نتیجه، افزایش موجودی سرمایه از بانکداری و مالی منجر به رشد اقتصادی قابل توجه می‌شود.

همچنین، کسیم (۲۰۱۶)[3]، بوخاتم و موسا (۲۰۱۸)[4]، لضم[5] (۲۰۲۰)، لضم و مکیدیچه[6] (۲۰۲۰) و لضم و موساوی[7] (۲۰۲۱) تأیید کردند که رشد اقتصادی توسط عامل مالی اسلامی تأیید شده است، که به عنوان یک عامل برون‌زا در درون مدل رشد درون‌زا استفاده شده است. به طور کلی، رشد اقتصادی درون‌زا به طور برون‌زا توسط مالی اسلامی به دلیل تأثیر سنگین آن بر افزایش موجودی سرمایه و سرمایه‌گذاری تعریف می‌شود. این ارتباط بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی در واقع ادامه فرضیه پیشتاز عرضه شومپیتر[8] (۱۹۳۴) است. همچنین با فلسفه سرکوب مالی مک کینون[9] (۱۹۷۳) و شاو[10] (۱۹۷۳) همخوانی دارد، که استدلال می‌کند توسعه مالی منجر به رشد اقتصادی می‌شود. به همین دلیل، این مطالعه تأثیر مالی اسلامی بر رشد اقتصادی را تحت مدل رشد درون‌زا در ایران بررسی می‌کند.

رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی طی دهه‌های اخیر کانون توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. با وجود این، در مورد ماهیت، جهت علیت و شدت این رابطه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان مثال، لوین[11] (۱۹۹۷) استدلال می‌کند که واسطه‌های مالی با بهبود کارایی تخصیص سرمایه، به رشد اقتصادی منجر می‌شوند. در مقابل، لوکاس[12] (۱۹۸۸) نقش توسعه مالی در رشد اقتصادی را اغراق‌آمیز می‌داند و بر عوامل دیگر تأکید می‌ورزد. این اختلاف نظرات، لزوم بررسی‌های زمینه‌محور و توجه به شرایط خاص هر اقتصاد را بیش از پیش نشان می‌دهد. اقتصاددانانی که نقش توسعه مالی را در رشد اقتصادی مثبت و مؤثر ارزیابی می‌کنند، استدلال می‌کنند که واسطه‌های مالی با تسهیل و بهبود تخصیص منابع، سرمایه را به سمت طرح‌های دارای بالاترین

1. Petkovski &Kjosevski
2. Bourke
3. Kassim
4. Boukhatem & Moussa
5. Ledhem
6. Ledhem & Mekidiche
7. Ledhem & Moussaoui
8. Schumpeter
9. McKinnon
10. Shaw
11. Levine
12. Lucas

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

بازدهی و بهره‌وری هدایت می‌کنند. در این راستا،گلداسمیت[1] (۱۹۶۹) در چارچوب نظریه «پیشتازی عرضه مالی»، بر نقش کلیدی نهادهای مالی در توسعه اقتصادی تأکید داشت. به‌علاوه، مک‌کینون[2] (۱۹۷۳) و شاو[3] (۱۹۷۳) نیز با ارائه نظریه «سرکوب مالی»، استدلال کردند که بازارهای مالی آزاد و توسعه‌یافته می‌توانند از طریق تجهیز و تخصیص بهینه پس‌اندازها، رشد اقتصادی را تقویت کنند. از این دیدگاه، تفاوت در کمیت و کیفیت خدمات مالی در کشورهای مختلف می‌تواند بخش قابل‌توجهی از تفاوت در نرخ‌های رشد بلندمدت آن‌ها را توضیح دهد. شواهد تجربی گسترده در دهه‌های اخیر عمدتاً از این دیدگاه حمایت کرده‌اند. بر اساس این چارچوب نظری، توسعه مالی از دو مجرای اصلی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. الف) افزایش کمّی سرمایه‌گذاری که در این زمینه با کاهش هزینه‌های تأمین مالی و تشویق پس‌انداز، توسعه مالی سطح سرمایه‌گذاری را افزایش یافته و از طریق انباشت سرمایه، رشد اقتصادی را به‌طور مستقیم تقویت می‌یابد. ب) بهبود کیفی تخصیص منابع که حتی در صورت ثابت بودن سطح کل سرمایه‌گذاری، واسطه‌های مالی با شناسایی و تأمین مالی پروژه‌های کارآمدتر، بازدهی سرمایه را افزایش داده و از این طریق رشد اقتصادی را به‌طور غیرمستقیم تحریک می‌کنند(فطرس و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴).

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در مورد ارتباط بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی انجام شده است. در بخش زیر به مهم‌ترین این مطالعات در داخل و خارج پرداخته می‌شود.

مطالعات خارجی

لضم و موساوی[4] (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای با هدف بررسی رابطه تأمین مالی اسلامی فعالیت‌های کارآفرینانه و رشد اقتصادی مالزی در چارچوب مدل رشد درون‌زا، از روش‌های علّیت گرنجر در مدل VAR و رگرسیون کمّی bootstrap استفاده شد. داده‌های مورد بررسی مربوط به کلیه بانک‌های اسلامی فعال در مالزی از فصل سوم ۲۰۱۹ تا فصل اول ۲۰۱۴ بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی فعالیت‌های کارآفرینانه به‌ویژه در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط، نقش مثبت و معناداری در تقویت رشد اقتصادی مالزی ایفا می‌کند.

1. Goldsmith
2. McKinnon
3. Shaw
4. Ledhem & Moussaoui

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

گانی و بهاری[1] (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای که با استفاده از روش ARDL و داده‌های فصلی ۲۰ ساله (۲۰۱۷-۱۹۹۸) انجام شد، رابطه توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی مالزی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد در کوتاه‌مدت رابطه معناداری بین شاخص‌های بانکداری اسلامی و اقتصاد واقعی وجود ندارد، اما در بلندمدت، تسهیلات و سپرده‌های اسلامی تأثیری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته‌اند. این تأثیر عمدتاً از طریق تجمیع سرمایه‌گذاری‌های مولد و افزایش بهره‌وری سرمایه محقق شده است. آزمون علیت نیز رابطه دو سویه بین سپرده‌های اسلامی و تولید ناخالص داخلی، و رابطه یک‌سویه ضعیف از تسهیلات اسلامی به رشد اقتصادی را نشان داد. این یافته‌ها حاکی از آن است که عملکرد موفق نظام مالی اسلامی در مالزی ناشی از کارایی آن در ایفای نقش واسطه‌گری مالی و هدایت منابع به بخش‌های مولد اقتصادی بوده است.

انور[2] و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی نقش بانکداری اسلامی اندونزی در رشد اقتصادی این کشور طی دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۹ نشان دادند که رابطه‌ای معنادار در هر دو افق کوتاه‌مدت و بلندمدت بین دو متغیر وجود دارد. این مطالعه که با استفاده از روش‌های هم‌انباشتگی، ARDL، VECM و توابع عکس‌العمل آنی انجام شده، مؤید تأثیر مثبت شاخص‌هایی نظیر سپرده‌ها و تعداد شعب بانک‌های اسلامی بر رشد اقتصادی اندونزی است. یافته‌ها حاکی از رابطه دوسویه بین توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی است و علیرغم سهم بازار کمتر این بانک‌ها نسبت به بانک‌های متعارف، نقش مؤثر آنها را در پیشبرد اقتصاد ملی نشان می‌دهد.

بوخاتم و موسا[3] (۲۰۱۸) تلاش می‌کنند تا چارچوب نظری منسجمی برای رابطه میان مالی اسلامی و رشد اقتصادی ارائه دهند. مطالعه آنها به ارزیابی تجربی اثر تسهیلات بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی سیزده کشور در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دوره ۲۰۱۴–۲۰۰۰ می‌پردازد. شواهد نشان می‌دهد توسعه نظام مالی در دوره مورد مطالعه، رشد اقتصادی را در کشورهای منتخب منا تحریک کرده است. افزون بر این، نتایج نشان داد که اگرچه توسعه مالی اسلامی می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند، این اثر مثبت توسط چارچوب‌های نهادی ناکارآمد و توسعه‌نیافته تضعیف می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد کشورهای صادرکننده نفت در منطقه MENA از سپرده‌های انبوه مبتنی بر درآمدهای نفتی که می‌تواند مقیاس تسهیلات را افزایش دهد، بهره اقتصادی مطلوب نمی‌برند. یافته‌ها حاکی از آن است که دولت‌ها باید سیاست‌های اقتصادی و نهادی پیشگیرانه و مساعدی را به‌سوی توسعه مالی اسلامی سوق دهند.

1. Gani & Bahari
2. Anwar
3. Boukhatem, & Moussa.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

آتیجی[1] (۲۰۱۸) علیت بین مالی اسلامی و رشد اقتصادی را در طول دوره فصلی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ با استفاده از رویکرد VECM بررسی کرد. به طور مشابه، کالایسی و تکین[2] (۲۰۱۶) تعاملات بین توسعه مالی اسلامی و رشد اقتصادی در ترکیه را بررسی کردند. آن‌ها از روش هم‌انباشتگی یوهانسن و علیت گرنجر در طول دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۲ استفاده کردند. هر دو کالایسی و تکین (۲۰۱۶) و آتیجی (۲۰۱۸) تأثیر مثبت مالی اسلامی بر رشد اقتصادی ترکیه را یافتند؛ بنابراین، فرضیه پیشتاز عرضه شومپیتر (۱۹۳۴) تأیید شد.

مقاله یوکسل و کانوز[3] (۲۰۱۷) در پی شناسایی اثرات بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی و توسعه صنعتی در ترکیه است. برای این منظور، داده‌های فصلی مربوط به دوره‌ی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفت. افزون بر این، در این مطالعه از روش تحلیل علیت گرنجر در چارچوب مدل VAR استفاده شد. نتیجه نشان داد که تسهیلات اعطایی بانک‌های اسلامی اثر معناداری بر بهبود اقتصاد و صنعت ترکیه نداشته است. دلیل اصلی این نتیجه، سهم بسیار پایین بانکداری اسلامی در کل بخش بانکی ترکیه است. بنابراین می‌توان گفت که بانکداری اسلامی در ترکیه باید به حدی توسعه یابد که بتواند سهم مؤثری در رشد تولید ناخالص داخلی و توسعه صنعتی این کشور ایفا کند.

عبدوه و عمر[4] (۲۰۱۲) به بررسی رابطه میان توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در اندونزی با استفاده از داده‌های فصلی (۲۰۱۰-۲۰۰۳) و در چارچوب مدل ARDL پرداختند.نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای معنادار در هر دو افق کوتاه‌مدت و بلندمدت است. یافته‌ها بیانگر آن است که این ارتباط، نه از نوع پیشتاز عرضه (شومپیتر) و نه دنباله‌رو تقاضا (رابینسون) است، بلکه یک رابطه دوسویه میان توسعه مالی اسلامی و رشد اقتصادی برقرار است.

فرقانی و مولیانی[5] (۲۰۰۹) تعاملات مالی اسلامی را با رشد اقتصادی مالزی با به کارگیری رویکرد هم‌انباشتگی و VECM ارزیابی کردند. نتایج نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت، تنها سرمایه‌گذاری ثابت بر توسعه بانکداری اسلامی تأثیر علی دارد. اما در بلندمدت، رابطه‌ای دوسویه بین بانکداری اسلامی و سرمایه‌گذاری ثابت مشاهده شده و همچنین شواهدی دال بر تأیید فرضیه «دنباله‌روی تقاضا» در رابطه تولید ناخالص داخلی و بانکداری اسلامی به دست آمده است؛ بدین معنی که افزایش GDP منجر به توسعه بانکداری اسلامی می‌شود، اما عکس این رابطه برقرار نیست. این یافته‌ها بر

1. Atici
2. Kalayci & Tekin
3. Yüksel & Canöz
4. Abduh & Azmi Omar
5. Furqani & Mulyany

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

اساس داده‌های سری زمانی مربوط به تأمین مالی کل بانک‌های اسلامی و متغیرهای بخش واقعی اقتصاد شامل GDP سرانه واقعی، سرمایه‌گذاری ثابت و تجارت در دوره مورد مطالعه حاصل شده‌اند.

مطالعات داخلی

شیرمهنجی و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی: رویکرد فراتحلیل چندسطحی» به بررسی نظام‌مند این رابطه پرداختند. این پژوهش با به‌کارگیری روش فراتحلیل چندسطحی، داده‌های ۸۳ رگرسیون از ۲۲ مطالعه بین‌المللی را که در مجموع ۹۹ ضریب تخمین را گزارش کرده بودند، تجمیع و تحلیل کرد. نتایج فراتحلیل، با در نظر گرفتن سوگیری انتشار، نشان داد که توسعه مالی اسلامی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و از منظر نظری، این تأثیر عمدتاً از طریق مکانیسم‌هایی مانند ممنوعیت ربا، تأکید بر تأمین مالی مبتنی بر مشارکت و پیوند با فعالیت‌های اقتصادی واقعی توجیه می‌شود. علاوه‌براین، تحلیل ناهمگنی مطالعات اولیه آشکار ساخت که تفاوت در شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه مالی اسلامی، دوره زمانی مطالعه، و نیز وجود یا عدم وجود متغیرهای کنترلی خاص (مانند آزادی اقتصادی، مالیات و نرخ بیکاری) از عوامل اصلی ایجاد نتایج متفاوت در پژوهش‌های پیشین بوده‌اند.

در رویکردی نوین و جامع که پیوند میان بخش مالی، حکمرانی و اهداف زیست‌محیطی را مورد توجه قرار می‌دهد، متقی و همکاران(۱۴۰۴) به بررسی تأثیر توسعه مالی و مدیریت توسعه بر رشد اقتصادی و کیفیت محیط‌زیست پرداختند. این پژوهش با به‌کارگیری روش ARDL و داده‌های سالانه دوره ۲۰۲۲-۲۰۰۲، دو مدل جداگانه برای رشد اقتصادی و تخریب محیط‌زیست در ایران برآورد کرده است. یافته‌ها مؤید آن بود که توسعه مالی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی و همچنین تأثیر کاهنده و معناداری بر تخریب محیط‌زیست داشته است. همچنین، شاخص مدیریت توسعه (حکمرانی) در هیچ یک از دو مدل تأثیر معناداری نداشته است. علاوه‌براین، در مدل رشد اقتصادی، سرانه مصرف انرژی و نرخ بیکاری رابطه مثبت، و در مدل آلودگی، درجه بازبودن تجاری و سطح تولید ناخالص داخلی رابطه مستقیم با تخریب محیط‌زیست داشتند.

صادقی شاهدانی و همکاران (۱۴۰۳) با به‌کارگیری رویکرد داده‌های تابلویی و در چارچوب نظام بانکداری اسلامی، تأثیر توسعه مالی اسلامی را بر رشد اقتصادی استان‌های ایران مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه مالی اسلامی در بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد. به‌طور مشخص، شاخص نسبت تسهیلات بانکی به تولید ناخالص داخلی در قالب قراردادهای اسلامی (شامل قرض‌الحسنه، مشارکتی و مبادله‌ای) تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است. نکته قابل تأمل در نتایج این مطالعه، برتری اثر تسهیلات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مبتنی بر عقود مبادله‌ای (مانند مرابحه) نسبت به تسهیلات مشارکتی بر رشد اقتصادی استان‌هاست که می‌تواند نشان‌دهنده غلبه رویکرد مبتنی بر بدهی در نظام بانکی کشور باشد.

مشتاقی و صمدپور (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای جداگانه به واکاوی نقش سیستم مالی در توسعه اقتصادی ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۶۲ و به‌کارگیری تکنیک ARDLپرداختند. در این پژوهش، سه شاخص توسعه مالی شامل حجم نقدینگی و سپرده‌های سیستم بانکی به عنوان شاخص‌های عمق مالی، و اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به عنوان شاخص کارایی مالی مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های تجربی این مطالعه نشان داد که در کوتاه‌مدت، رابطه‌ای مثبت بین حجم نقدینگی و رشد اقتصادی وجود دارد، در حالی که رابطه سپرده‌های بانکی با رشد اقتصادی منفی است. در بلندمدت، اما نتایج معکوس شد: سپرده‌های سیستم بانکی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی نشان داد، ولی اثر حجم نقدینگی منفی ارزیابی شد. همچنین، شاخص کارایی مالی (اعتبارات بخش خصوصی) در هیچ یک از افق‌های زمانی تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشت.

در زمینه بررسی نقش نظام مالی بر رشد اقتصادی ایران، مطالعه‌ای توسط عرب و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی تأثیر توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رهیافت گشتاورهای تعمیم‌یافته « انجام شده است. این پژوهش با استفاده از داده‌های سالانه طی دوره -۱۳۹۷ ۱۳۷۰ و به‌کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، به ارزیابی همزمان تأثیر متغیرهای کلان مالی بر رشد اقتصادی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هم توسعه مالی و هم ثبات مالی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران داشته‌اند. همچنین، متغیرهای آموزش، سرمایه‌گذاری ثابت و آزادسازی تجاری اثر مثبت و معناداری بر رشد نشان داده‌اند. در مقابل، تورم، مخارج دولت و اندازه جمعیت فعال تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند.

غفاری‌فرد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی اثر ابزار تأمین مالی صکوک بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. این مطالعه کشورهای مالزی، ایران، پاکستان، قطر، بحرین، ترکیه، اندونزی، امارات و عربستان را با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد تحلیل قرار داده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای کلان اقتصادی شامل تشکیل سرمایه ناخالص، نیروی کار، صادرات و مخارج دولت به همراه متغیر محوری مطالعه، یعنی صکوک، همگی تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته‌اند. این نتیجه، نقش مثبت توسعه بازار سرمایه اسلامی و به‌طور خاص ابزارهای مبتنی بر دارایی‌های واقعی مانند صکوک را در تأمین سرمایه برای رشد اقتصادی تأیید می‌کند.

ابونوری و تیموری (۱۳۹۲) در پژوهشی به تحلیل مقایسه‌ای رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در دو گروه از کشورها پرداختند: کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

(OECD)و کشورهای با درآمد بالاتر از حد متوسط (UMI). این مطالعه از پنج شاخص مختلف برای اندازه‌گیری توسعه مالی استفاده کرده و با به‌کارگیری روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۸۰، الگوهای مربوطه را برای ۴۹ کشور برآورد کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه مالی در هر دو گروه از کشورها تأثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است. با این حال، شدت این اثر منفی برای کشورهای توسعه‌یافته‌تر عضو OECD کمتر بوده است. این نتیجه می‌تواند حاکی از وجود آستانه‌ای از توسعه‌یافتگی باشد که پس از آن، رابطه منفی توسعه مالی و رشد تضعیف می‌شود. همچنین، اثر متغیرهای کنترلی شامل سرمایه‌گذاری، درجه بازبودن اقتصاد و تولید ناخالص داخلی سرانه با انتظارات نظری مطابقت داشته، در حالی که اندازه دولت و تورم اثر منفی بر رشد نشان داده‌اند.

در راستای بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران، هوشمند و دانش‌نیا (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی این رابطه با در نظر گرفتن متغیرهای کلان مؤثر دیگر پرداختند. این پژوهش با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۲ و به‌کارگیری روش خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی مدلی از رشد اقتصادی را برآورد کردند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توسعه مالی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران داشته است. این نتیجه با چارچوب نظری غالب که بر نقش تسهیل‌کنندگی بخش مالی در رشد اقتصادی تأکید دارد، هم‌خوانی دارد. همچنین، مطابق انتظار، سرمایه‌گذاری داخلی تأثیر مثبت و نرخ بهره تأثیر منفی بر رشد اقتصادی نشان دادند.

۳. معرفی الگو و تجزیه و تحلیل

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران و در چارچوب نظریه رشد درون‌زا انجام شده است. داده‌های مورد استفاده شامل شاخص‌های نظام مالی اسلامی و متغیرهای کلان اقتصادی ایران است. داده‌های حجم تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی از گزارش‌های سالانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای دوره ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۲ استخراج شده است. دیگر داده‌ها نیز از پایگاه‌های داده مرکز آمار ایران، و از سایت بانک جهانی جمع‌آوری شده‌اند. بر این اساس، مدل تجربی پژوهش به صورت رابطه (۱) می‌باشد:

$$GDP_t = \alpha_0 + \alpha_1 FI_t + \alpha_2 INF_t + \alpha_3 OPEN_t + \alpha_4 HC_t + \alpha_5 GFCF_t + \grave{o}_t \quad (1)$$

فرم لگاریتمی رابطه (۱) به صورت زیر بازنویسی می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

$$lnGDP_t = \alpha_0 + \alpha_1 lnFI_t + \alpha_2 lnINF_t + \alpha_3 lnOPEN_t + \alpha_4 lnHC_t + \alpha_5 lnGFCF_t + \varepsilon_t \quad (۲)$$

تعریف عملیاتی و شرح متغیرهای مدل در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: معرفی متغیرهای مدل

نماد	تعریف متغیر	تعریف عملیاتی
GDP	رشد اقتصادی	لگاریتم تولید ناخالص داخلی نماینده رشد اقتصادی
FI	توسعه مالی اسلامی	حجم تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی
$OPEN$	درجه بازبودن تجاری	به عنوان نماینده ارتباط اقتصاد ایران با $open_t = \frac{EX_t + IM_t}{GDP_t} \times ۱۰۰$ EX صادرات و IM واردات است.
INF	تورم	-
HC	نیروی کار	-
GFCF	سرمایه	-
α_0	عرض از مبدأ	مقدار ثابت مدل
$\alpha_1, \alpha_1, \alpha_2, \alpha_4, \alpha_5$	ضرایب متغیرهای توضیحی	-
ln	لگاریتم	-
ε_t	جمله اخلال	جزء پسماند مدل

مدل کلی بر اساس روش اقتصاد سنجی ARDL به صورت رابطه (۳) تصریح می‌شود:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

$$lnGDP_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^{p} \alpha_i lnGDP_{t-i} + \sum_{j=0}^{q_1} \beta_{1,j} lnFI_{t-j} + \sum_{k=0}^{q_2} \beta_{2,k} lnOPEN_{t-k} + \sum_{m=0}^{q_3} \beta_{3,m} lnINF_{t-m} + \sum_{m=0}^{q_3} \beta_{4,m} ln\mathrm{HC}_{t-m} + \sum_{m=0}^{q_3} \beta_{5,m} ln\mathrm{GFCF}_{t-m} + \varepsilon_t \quad (۳)$$

بر اساس مبانی نظری و مطالعات پیشین در زمینه تأثیر توسعه مالی و متغیرهای کلان بر رشد اقتصادی، می‌توان انتظارات تئوریک زیر را برای اثر هر یک از متغیرهای مستقل بر رشد اقتصادی (متغیر وابسته) بیان کرد:

انتظار تئوریک بر این است که متغیر مالی اسلامی (FI) اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد. به دلیل اینکه تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی، با تزریق منابع به بخش‌های مولد اقتصاد، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد. این نظام مالی با حذف ربا، توزیع عادلانه‌تر درآمد و ثروت را فراهم می‌کند. انتظار می‌رود این امر در بلندمدت اثر قوی‌تری بر رشد اقتصادی داشته باشد. علاوه‌براین، متغیر بازبودن تجاری (OPEN)برای اقتصاد ایران، که یک اقتصاد در حال توسعه است، می‌تواند یک موتور محرک مهم برای رشد باشد. انتظار بر آن است این متغیر هم اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد. همچنین انتظار بر این است تا متغیر نرخ تورم (INF) اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. بعلاوه انتظار می‌رود نیروی کار و سرمایه اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشند.

پس از معرفی الگو و متغیرها، نخستین گام، بررسی مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ریشه واحد است تا از برآورد رگرسیون کاذب جلوگیری شود. برای این منظور، آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF) به کار گرفته شد. نتایج این آزمون برای متغیرها در سطح و تفاضل مرتبه اول، به ترتیب در جدول‌های (۲) و (۳) ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد (ADF) در سطح

ADF			
نام متغیر	**ضریب**	**سطح احتمال**	**نتیجه**

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

GDP	-۴/۳۲	(۰/۰۱۱)	مانا
FI	-۲/۷۱	(۰/۲۴۳)	نامانا
OPEN	-۲/۶۷	(۰/۲۵۷)	نامانا
HC	-۰/۵۴	(۰/۹۷۲)	نامانا
GFCF	-۲/۰۱	(۰/۵۶۵)	نامانا
INF	-۳/۵۳	(۰/۰۱۵)	مانا

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳: آزمون ریشه واحد (ADF) با یک تفاضل

ADF			
نام متغیر	**ضریب**	**سطح احتمال**	**نتیجه**
IF	-۳/۷۸	(۰/۰۳۹)	مانا
HC	-۲/۰۱	(۰/۰۴۴)	مانا
GFCF	-۵/۱۷	(۰/۰۰۱)	مانا
OPEN	-۳/۹۲	(۰/۰۰۷)	مانا

منبع: محاسبات تحقیق

همانطور که در جداول مشاهده می‌شود، متغیرهایی که در سطح نامانا بوده‌اند پس از گرفتن تفاضل مرتبه اول، در این سطح مانا می‌شوند؛ بنابراین این متغیرها I(1) هستند. در حالیکه، متغیرهای رشد اقتصادی و نرخ تورم در سطح معنی‌دار شده و I(0) هستند. - با توجه به وجود متغیرهای با مرتبه یکپارچگی متفاوت I(1) و I(0)، استفاده از روش ARDL برای برآورد مدل و آزمون هم‌انباشتگی توجیه می‌شود.

برای تشخیص وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرهای غیرایستا از آزمون هم‌انباشتگی استفاده می‌شود. در این تحقیق، با به کارگیری روش جوهانسن[1] (۱۹۸۸) مبتنی بر دو آماره آزمون اثر و حداکثر مقدار ویژه، به واکاوی وجود ارتباط پایدار بلندمدت پرداخته شده است. این رویکرد، امکان شناسایی و تأیید بردارهای هم‌انباشتگی میان متغیرها را فراهم می‌سازد. نتایج این آزمون در قالب جداول (۴) و (۵) ارائه گردیده است.

1. Johansen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

جدول ۴: نتایج آزمون اثر

فرضیه صفر	مقدار ویژه	حداکثر مقدار ویژه	مقدار بحرانی ۰,۰۵	احتمال
None	۰,۹۵	۱۷۵,۶۵	۹۵,۷۵	۰,۰۰۰۰
At most 1	۰,۸۷	۱۱۲,۲۴	۶۹,۸۲	۰,۰۰۰۰
At most 2	۰,۷۷	۶۸,۹۷	۴۷,۸۶	۰,۰۰۰۲
At most 3	۰,۵۴	۳۸,۴۷	۲۹,۸۰	۰,۰۰۳۹
At most 4	۰,۴۸	۲۲,۲۵	۱۵,۴۹	۰,۰۰۴۱
At most 5	۰,۳۳	۸,۴۹	۳,۸۴	۰,۰۰۳۶

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۵: نتایج آزمون حداکثر مقدار ویژه

فرضیه صفر	مقدار ویژه	حداکثر مقدار ویژه	مقدار بحرانی ۰,۰۵	احتمال
None	۰,۹۵	۶۳,۴۱	۴۰,۰۸	۰,۰۰۰۰

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

فرضیه صفر	مقدار ویژه	حداکثر مقدار ویژه	مقدار بحرانی ۰,۰۵	احتمال
At most 1	۰,۸۷	۴۳,۲۷	۳۳,۸۸	۰,۰۰۲۹
At most 2	۰,۷۷	۳۰,۵۰	۲۷,۵۸	۰,۰۲۰۵
At most 3	۰,۵۴	۱۶,۲۲	۲۱,۱۳	۰,۲۱۲۲
At most 4	۰,۴۸	۱۳,۷۶	۱۴,۲۶	۰,۰۶۰۰
At most 5	۰,۳۳	۸,۴۹	۳,۸۴	۰,۰۰۳۶

منبع: محاسبات تحقیق

در هر دو جدول، فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی رد شده است. نتایج هر دو آزمون به صورت همسو نشان می‌دهند که بین متغیرهای مدل پژوهش یک رابطه تعادلی بلندمدت (هم‌انباشتگی) وجود دارد. این یافته، شرط ضروری برای برآورد مدل و تحلیل روابط بلندمدت را فراهم می‌سازد.

بعد از بررسی آزمون ریشه واحد و آزمون هم‌انباشتگی، در ادامه به برآورد مدل و تحلیل آن پرداخته می‌شود. انتخاب مدل با معیارهای اطلاعاتی آکاییک و شوارتز نشان داد که **ARDL(1, 0, 0, 0, 0, 0)** بهترین برازش را دارد. این مدل ترکیبی از پویایی‌های درون‌زا (GDP با وقفه) و اثرات فوری (IF, OPEN, INF, HC, GFCF) را در نظر می‌گیرد و برای تحلیل روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده می‌شود. در جدول (۶) نتایج کوتاه مدت مدل نشان داده شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

جدول ۶: نتایج کوتاه‌مدت _ ARDL(1, 0, 0, 0, 0, 0)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
LGDP(-1)	۰,۵۶۴	۰,۰۴۹	۱۱,۵۲	۰,۰۰۰
LIF	۰,۰۶۲	۰,۰۰۵	۱۱,۴۷	۰,۰۰۰
LOPEN	۰,۴۹۲	۰,۰۳۶	۱۳,۶۹	۰,۰۰۰
LINF	-۰,۰۰۰۹	۰,۰۰۲	-۰,۴۱	۰,۶۸۶
LHC	۰,۰۴۹	۰,۰۱۶	۲,۹۵	۰,۰۱۱
LGFCF	۰,۱۷	۰,۰۴۶	۳,۶۳	۰,۰۰۳
C	۷,۷۱	۰,۶۹۶	۱۱,۰۶	۰,۰۰۰
R-squared	۰,۹۴۷			
Adj R-squared	۰,۹۲۴			
F-statistic	۴۱,۷۱			
D-W	۲,۱۸			

منبع: محاسبات تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

بر اساس نتایج جدول (۶) در کوتاه‌مدت، می‌توان دریافت که مدل از برازش مطلوبی برخوردار است به طوری که ضریب تعیین (R-squared) برابر ۹۴/۷ درصد نشان می‌دهد متغیرهای مستقل حدود ۹۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. آماره F(۴۱,۷۱) نیز حاکی از معناداری کلی مدل است. از نظر ضرایب متغیرها، ضریب وقفه متغیر وابسته برابر ۰/۵۶ و معنادار است که نشان می‌دهد رشد اقتصادی دوره گذشته تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دوره جاری دارد. متغیر توسعه مالی اسلامی (LIF) با ضریب ۰/۰۶۲ و تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت دارد. همچنین متغیر تجارت خارجی (LOPEN) با ضریب ۰/۴۹ بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد. همچنین تاثیر تورم بر متغیر وابسته بی‌معنی بوده است. ضرایب متغیرهای نیروی کار و سرمایه نیز به ترتیب برابر ۰,۰۴۹ و ۰,۱۷ برآورد گردیده است. آماره دوربین-واتسون (۲/۱۸) نیز عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول بین جملات خطا را تأیید می‌کند. در ادامه نتایج مدل تصحیح خطا و نتایج بلندمدت به ترتیب در جدول‌های (۷) و (۸) نشان داده شده است.

جدول ۷: نتایج مدل تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
C	۷,۷۱	۲,۲۰۸	۳,۴۹	۰,۰۰۴
LIF	۰,۰۶۲	۰,۰۲۱	۲,۸۸	۰,۰۱۲
LOPEN	۰,۴۹۲	۰,۱۱۲	۴,۳۸	۰,۰۰۱
LINF	-۰,۰۰۰۹	۰,۰۰۸	-۰,۱۱	۰,۹۱۴
LHC	۰,۰۴۹	۰,۰۵۵	۰,۸۹	۰,۳۸۶
LGFCF	۰,۱۷	۰,۱۳۸	۱,۲۳	۰,۲۳۹
ECM(-1)	-۰,۴۳۵	۰,۱۵۳	-۲,۸۴	۰,۰۱۳

منبع: محاسبات تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

جدول ۸: نتایج بلندمدت مدل

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
LIF	۰,۱۴۳	۰,۰۲۷	۵,۲۷	۰,۰۰۰
LOPEN	۱,۱۳۱	۰,۲۰۶	۵,۴۸	۰,۰۰۰
LINF	-۰,۰۰۲	۰,۰۰۵	-۰,۴۰	۰,۶۹۳
LHC	۰,۱۱۳	۰,۰۳۲	۳,۴۶	۰,۰۰۴
LGFCF	۰,۳۹	۰,۱۴	۲,۷۵	۰,۰۱۶

منبع: محاسبات تحقیق

بر اساس نتایج مدل تصحیح خطا، رابطه بلندمدت پایدار بین متغیرهای مدل تأیید می‌شود. ضریب جمله تصحیح خطا (۰/۴۳) حاکی از سرعت تعدیل بالا است، به طوری که حدود ۴۳ درصد از عدم تعادل‌های کوتاه‌مدت در هر دوره به سمت مسیر بلندمدت تعدیل می‌شود. در بلندمدت، توسعه مالی اسلامی با ضریب ۰/۱۴۳ و تجارت خارجی با ضریب ۱/۱۳ تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند اما متغیر نرخ تورم اثر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته است. در کوتاه‌مدت نیز توسعه مالی اسلامی (۰/۰۶۲) و تجارت خارجی (۰/۴۹) اثرات مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی نشان می‌دهند. این یافته‌ها بر نقش محوری توسعه مالی اسلامی و تجارت خارجی در تحقق رشد اقتصادی پایدار تأکید می‌کنند. علاوه‌براین، اثر نیروی کار و سرمایه بر رشد اقتصادی معنادار و مطابق با انتظارات تئوریک بوده است.

در ادامه، به منظور اعتبارسنجی نتایج و اطمینان از پایایی الگوی برآوردی، آزمون ثبات ساختاری مدل انجام گرفت. آزمون CUSUMSQ (مجموع تجمعی مربعات باقیمانده) به عنوان روشی استاندارد، پایداری پارامترهای برآوردی مدل را در طول دوره نمونه‌گیری مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این آزمون قادر است وجود یا عدم وجود شکست ساختاری در روابط برآوردی را آشکار سازد. نتایج حاصل از این آزمون در نمودار (۱) ارائه شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

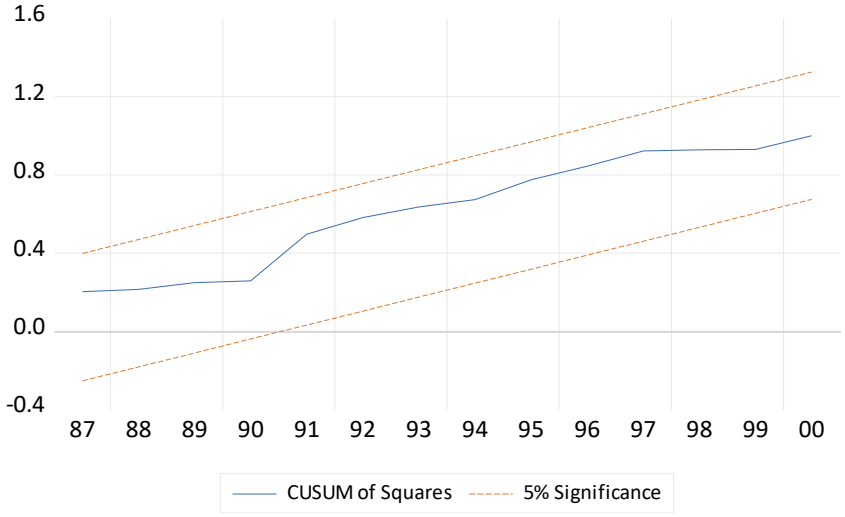

نمودار (۱): آزمون CUSUMSQ برای ثبات ساختاری

بر اساس نمودار (۱)، منحنی مجموع تجمعی مربعات باقیمانده (خط آبی) در تمامی دوره زمانی مورد مطالعه، کاملاً در محدوده بحرانی ۵ درصد (بین دو خط قرمز رنگ) قرار دارد. این الگو حاکی از آن است که پارامترهای برآوردی مدل در طول دوره تحقیق از ثبات آماری برخوردار بوده و هیچ گونه شکست ساختاری در روابط برآورد شده، رخ نداده است. چنین نتیجه‌ای بر قابلیت اتکای الگوی برآوردی و پایایی ضرایب به دست آمده صحه می‌گذارد و اعتبار تحلیل‌های سیاستی مبتنی بر این مدل را تقویت می‌کند.

۴. جمع‌بندی و پیشنهادات

این پژوهش با هدف تحلیل تجربی تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران در چارچوب مدل رشد درون‌زا و با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی(ARDL) طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۲ انجام شد. یافته‌های اصلی تحقیق را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

نتایج حاصل از برآورد مدل، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، گواهی محکم بر تأثیر مثبت و معنادار شاخص توسعه مالی اسلامی (حجم تسهیلات اعطایی بر اساس عقود اسلامی) بر رشد اقتصادی ایران است. این یافته اصلی، همسو با مبانی نظری مالی اسلامی و نظریه رشد درون‌زا است که بر نقش واسطه‌گری کارآمد مالی در تجهیز و تخصیص بهینه منابع برای سرمایه‌گذاری‌های مولد تأکید دارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

نتیجه مذکور نشان می‌دهد علیرغم چالش‌های عملیاتی در اجرای کامل عقود اسلامی (مانند غلبه عقد مرابحه)، نظام مالی بدون ربا در ایران توانسته است در مجموع، بستری برای تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و تقویت رشد فراهم آورد. این امر، هم‌خوانی سیاست‌های مالی کشور را با اهداف کلان مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تأیید می‌کند.

تحلیل ضرایب نشان داد که اثر توسعه مالی اسلامی در بلندمدت (۰/۱۴) به مراتب قوی‌تر از کوتاه‌مدت (۰/۰۶) است. این امر حاکی از آن است که مکانیسم اثرگذاری مالی اسلامی عمدتاً از مسیرهای با وقفه و زیرساختی، مانند تجمیع تدریجی سرمایه، بهبود بهره‌وری و تغییرات نهادی، صورت می‌گیرد. همچنین، سرعت تعدیل نسبتاً بالا در مدل تصحیح خطا نشان می‌دهد اقتصاد ایران ظرفیت قابل‌توجهی برای بازگشت به مسیر تعادلی بلندمدت پس از شوک‌های کوتاه‌مدت دارد.

یافته‌ها علاوه بر توسعه مالی اسلامی، بر اهمیت سایر متغیرها نیز صحه گذاشت. درجه بازبودن تجاری به عنوان قوی‌ترین متغیر محرک رشد، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، اثر مثبت و معناداری از خود نشان داد. این نتیجه بر ضرورت ادغام هرچه بیشتر اقتصاد ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی و توسعه صادرات غیرنفتی تأکید دارد. در مقابل، نرخ تورم اثر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته است. همچنین، نتایج آزمون ثبات ساختاری نشان داد که روابط برآوردی در طول دوره مطالعه از ثبات آماری برخوردار بوده و هیچ شکست ساختاری معناداری رخ نداده است. این امر، قابلیت اتکا و اعتبار تحلیل‌های سیاستی مبتنی بر این مدل را تقویت می‌کند.

بر این اساس، پیشنهادات سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

- توسعه کیفی عقود اسلامی به ویژه عقود مشارکتی و تقویت نهادهای نظارتی شرعی.
- تسهیل روابط تجاری بین‌المللی و توسعه صادرات غیرنفتی.
- بازنگری در سیاست‌های آموزشی برای انطباق با نیازهای بازار کار و بهبود بهره‌وری نیروی انسانی.
- ایجاد ثبات اقتصادی به عنوان بستر لازم برای افزایش اثرگذاری سیاست‌های مالی اسلامی. این راهکارها در صورت اجرای همزمان می‌تواند سهم نظام مالی اسلامی را در تحقق رشد اقتصادی پایدار تقویت کند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی:

- بررسی تأثیر جداگانه هر یک از عقود اسلامی بر رشد اقتصادی
- مطالعه تطبیقی عملکرد مالی اسلامی ایران با دیگر کشورهای اسلامی
- تحلیل نقش توسعه مالی اسلامی در تحقق اقتصاد مقاومتی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

منابع

۱. ابونوری، عباسعلی و تیموری، منیژه . (۱۳۹۲). بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی: مقایسه‌ای بین کشورهای OECD و UMI. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳(۱۱)، ۴۰-۲۹.

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). آیین‌نامه اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا. معاونت نظارت بانکی.

۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰). گزارش تحولات نظام بانکی.

۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱). گزارش عملکرد شبکه بانکی.

۵. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱). گزارش اقتصادی و نظارتی سالانه ۱۴۰۱. دفتر مطالعات اقتصادی.

۶. فطرس، محمدحسن؛ نجارزاده نوش‌آبادی، ابوالفضل و محمودی، حسین. (۱۳۸۹). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران: با استفاده از روش تحلیل‌عاملی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۸(۵۶)، ۶۴-۷۳.

۷. شیرمهنجی، محمدباقر؛ پورفرج، علیرضا؛ نوراحمدی، محمدجواد و تقی‌نژاد عمران، وحید. (۱۴۰۴). واکاوی تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی: رویکرد فراتحلیل چندسطحی. اقتصاد اسلامی، ۲۵(۹۸)، ۱۴۳-۱۸۳.

۸. صادقی شاهدانی، مهدی؛ غفاری فرد، محمد و صفدری، مهدی. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر توسعه مالی اسلامی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران (با رویکرد داده‌های تابلویی). آموزه‌های اقتصاد اسلامی، ۱(۱)، ۲۱۵-۲۴۶.

۹. صدر، سید محمدباقر. (۱۳۷۸). اقتصادنا. (م. موسوی، مترجم). انتشارات اسلامی.

۱۰. عرب، آزاده؛ سرلک، احمد؛ قیاسی، مجتبی و شریف‌نژاد، مریم. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته. پژوهش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصادی، ۲۱(۴)، ۶۷-۸۶.

۱۱. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). جدول حساب‌های ملی ایران (۱۳۹۵-۱۴۰۰). دفتر محاسبات اقتصادی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱۲. مشتاقی، لاله و صمدپور، نرگس. (۱۴۰۳). بررسی اثرات بلندمدت و کوتاه‌مدت کارایی مالی و عمق مالی بر رشد اقتصادی. اقتصاد پولی مالی، ۳۱(بهار و تابستان ۱۴۰۳)، ۳۴۹-۳۷۵.

۱۳. متقی، سمیرا؛ رستمی پائین افراکتی، مهدی و جدی دلشاد، جواد. (۱۴۰۴). بررسی تأثیر توسعه مالی و مدیریت توسعه بر رشد اقتصادی و کیفیت محیط‌زیست. مطالعات مدیریت توسعه سبز، ۴(۲)، ۲۲۲-۱۹۹.

۱۴. هوشمند، محمود و دانش‌نیا، محمد. (۱۳۹۰). تاثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ایران. اقتصاد پولی مالی، ۱۸(۲)، ۴۵-۶۱.

15. Abduh, M., & Azmi Omar, M. (2012). Islamic banking and economic growth: The Indonesian experience. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 5*(1), 35–47.
16. Anwar, S. M., Junaidi, J., Salju, S., Wicaksono, R., & Mispiyanti, M. (2020). Islamic bank contribution to Indonesian economic growth. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 13*(3), 519–532.
17. Atici, G. (2018). Islamic (participation) banking and economic growth: Empirical focus on Turkey. *Asian Economic and Financial Review, 8*(11), 1354–1364.
18. Boukhatem, J., & Moussa, F. B. (2018). The effect of Islamic banks on GDP growth: Some evidence from selected MENA countries. *Borsa Istanbul Review, 18*(3), 231–247.
19. Furqani, H., & Mulyany, R. (2009). Islamic banking and economic growth: Empirical evidence from Malaysia. *Journal of Economic Cooperation & Development, 30*(2), 59–74.
20. Gani, I. M., & Bahari, Z. (2021). Islamic banking's contribution to the Malaysian real economy. *ISRA International Journal of Islamic Finance, 13*(1), 6–25.
21. Goldsmith, R. W. (1969). *Financial structure and development*. Yale University Press.
22. International Monetary Fund. (2022). *Islamic finance and financial stability*. IMF Departmental Paper.
23. Jhingan, M. L. (2011). *The economics of development and planning*. Vrinda Publications.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

24. Kalayci, S., & Tekin, B. E. (2016). Interactions between economic growth, FDI and Islamic banking development in Turkey. *International Journal of Business and Management, 11*(8), 230–240.
25. Kassim, S. (2016). Islamic finance and economic growth: The Malaysian experience. *Global Finance Journal, 30*, 66–76.
26. King, R. G., & Levine, R. (1993). Finance and growth: Schumpeter might be right. *The Quarterly Journal of Economics, 108*(3), 717–737.
27. Ledhem, M. A. (2020). Does sukuk financing boost economic growth? Empirical evidence from Southeast Asia. *PSU Research Review*. https://doi.org/10.1108/PRR-09-2020-0028
28. Ledhem, M. A., & Mekidiche, M. (2020). Economic growth and financial performance of Islamic banks: A CAMELS approach. *Islamic Economic Studies, 28*(1), 47–62.
29. Ledhem, M. A., & Moussaoui, W. (2021). Islamic finance for entrepreneurship activities and economic growth: A parametric and non-parametric analysis from Malaysia. *PSU Research Review*. https://doi.org/10.1108/PRR-02-2021-0012
30. Ledhem, M. A., & Moussaoui, W. (2024). Islamic finance for entrepreneurship activities and economic growth: A parametric and non-parametric analysis from Malaysia. *PSU Research Review, 8*(1), 1–18.
31. Levine, R. (1997). Financial development and economic growth: Views and agenda. *Journal of Economic Literature, 35*(2), 688–726.
32. Levine, R. (2005). Finance and growth: Theory and evidence. In P. Aghion & S. N. Durlauf (Eds.), *Handbook of economic growth* (Vol. 1A, pp. 865–934). Elsevier.
33. Lucas Jr, R. E. (1988). On the mechanics of economic development. *Journal of Monetary Economics, 22*(1), 3–42.
34. McKinnon, R. I. (1973). *Money and capital in economic development*. Brookings Institution Press.
35. Patric, J. H., Losos, E., Hayes, J., Phillips, A., Wilcove, D., & Alkire, C. (1996). A slanted party line. *BioScience, 46*(1), 4–5.
36. Petkovski, M., & Kjosevski, J. (2014). Does banking sector development promote economic growth? An empirical analysis for selected countries in Central and South Eastern Europe. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja, 27*(1), 55–66.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

37. Romer, D. (2011). Endogenous growth. In *Advanced macroeconomics* (4th ed., pp. 101–149). McGraw-Hill.
38. Schumpeter, J. A. (1934). *The theory of economic development: An inquiry into profits, capital, credit, interest, and the business cycle*. Harvard University Press.
39. Shaw, E. S. (1973). *Financial deepening in economic development*. Oxford University Press.
40. Tabash, M. I., & Anagreh, S. A. (2017). Do Islamic banks contribute to growth of the economy? Evidence from United Arab Emirates (UAE). *Banks and Bank Systems, 12*(1), 113–118.
41. Yüksel, S., & Canöz, İ. (2017). Does Islamic banking contribute to economic growth and industrial development in Turkey. *Ikonomika, 2*(1), 93–102.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]